

## کتاب مقدس و مثل های پارسی

ایرانیان یکی از باستانی ترین ملت هائی هستند که با یهودیان ارتباط داشته اند و در درازنای تاریخ ، این ارتباط همیشه پایدار و استوار بوده است . اگرچه گهگاه در برخی زمان ها کسانی کوشیده اند که این رابطه عاطفی و دوستی را برهم بزنند ولی در مجموع این پیوند استوار و ژرف بوده است . جالب توجه است که یهودیان در دوران تاریخ باستان خود همیشه بر ضد قدرت های حاکم بر خود چون مصر و آشور و رم قیام کرده اند ولی ایران تنها قدرتی بوده است که یهودیان نه تنها بر ضد آن شورش نکرده اند بلکه همواره ، از آن پشتیبانی کرده اند . ارزش های معنوی و باورهای هر دو ملت بسیار به هم نزدیک بوده است . بازتاب این هم آهنگی را در شباهت های بسیارمیان مثل های کتاب مقدس و مثل های پارسی می توان دید آنچه در زیر آمده ، مشتی است نمونه خروار.

جهالت بر مکان های بلند افراشته می شود و دولتمندان در مکان اسفل می نشینند.

جامعه : فصل ۱۰ آیه ۶

فلک به مردم نادان دهد زمام مُراد تو اهل دانش و فضلی ، همین گناهت بس

حافظ

نان خود را به روی آنها بیانداز ، زیرا که بعد از روزهای بسیار آن را خواهی یافت.

جامعه : فصل ۱۱ ، آیه ۱

تو نیکی میکن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز

سعدی

مگس های مرده روغن عطار را متعفن و فاسد می سازد.

جامعه : فصل ۱۰ ، آیه ۱

اگر برکه ای پرکنند از گلاب سگی در وی افتد ، شود منجلاب

سعدی

دل حکیمان در خانه ماتم است و دل احمقان در خانه شادمانی

جامعه : فصل ۷ آیه ۴

اگر غم را چو آتش دود بودی جهان تاریک ماندی جاودانه

در این عالم سراسر گر بگردی خردمندی نیابی شادمانه

شهید بلخی

ساق های شخص لنگ بی تمکین است و مثلی که از دهان احمق برآید همچنان است .

امثال : فصل ۲۶ آیه ۷

پای استدلالیان چوبین بُود پای چوبین سخت بی تمکین بُود

مولوی

از نبودن هیزم آتش خاموش می شود و از نبودن نمّام ( سخن چین ) تمام منازعه ساکت می گردد.

زغال برای اخگرها و هیزم برای آتش است و مرد فتنه انگیز به جهت برانگیختن نزاع.

امثال : فصل ۲۶ آیه های ۲۰ و ۲۱

میان دو کس جنگ چون آتش است سخن چین بدبخت هیزم است

سعدی

آیا مردی را که در شغل خویش ماهر باشد می بینی؟ او در حضور پادشاهان خواهد ایستاد، پیش

پست فطرتان نخواهد ایستاد.

امثال : فصل ۲۲ آیه ۲۹

هنرمند هر جا رود قدر بیند و بر صدر نشیند.

سعدی

با مرد تندخو معاشرت مکن ، و با شخص کج خلق همراه مباش ، مبادا راه های او را آموخته شوی  
و جان خود را در دام گرفتار سازی .

امثال : فصل ۲۲ آیه های ۲۴ و ۲۵

با بدان کم نشین که صحبت بد      گرچه پاکی تو را پلید کند

آفتاب بدان بزرگی را      پاره ابر ناپدید کند

سعدی

بیاموزمت کیمیای سعادت      ز هم صحبت بد ، جدائی جدائی

حافظ

ابتدای نزاع مثل رخنه کردن آب است ، پس مخاصمه را ترک کن قبل از آن که به مجادله برسد.

امثال : فصل ۱۷ آیه ۱۴

سر چشمه شاید که بستن به بیل      چو پر شد ، نشاید گذشتن به پیل

سعدی

اموالی که اولاً به تعجیل حاصل می شود ، عاقبتش مبارک نخواهد بود .

امثال : فصل ۲۰ آیه ۲۱

باد آورده را باد می برد

مثل پارسی

آن که چاه می کند در آن می افتد و آن که دیوار را می شکافد ، مار وی را می گزد .

جامعه : فصل ۱۰ آیه ۸

چاه نکن بهر کسی      اول خودت دوم کسی      مثل پارسی